

بازتاب عناصر فرهنگ و ادبیات عامه در گاه‌شماری سنگسری

محمد رضایی*^۱ انسیه دارادوست^۲ الهام مؤمنی^۳

(تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۲۱، تاریخ پذیرش: ۹۶/۶/۱)

چکیده

گاه‌شماری و آداب مربوط به آن بخشی از فرهنگ عامه است که بررسی دقیق آن، در مطالعه ارزش‌های اجتماعی و تحقیقات جامعه‌شناختی راهگشا خواهد بود. گاه‌شماری در ایران سابقه‌ای بسیار طولانی دارد و ایرانیان تقویم‌های متفاوتی را تجربه کرده‌اند که برخی نشانه‌های آن هنوز در میان اقوام و طوایف باقی است. یکی از گاه‌شماری‌هایی که همچنان پرکاربرد است و نشانه‌های فرهنگ باستان را در خود دارد، گاه‌شماری سنگسری است. این گاه‌شماری بخشی از فرهنگ اقوام شمرده می‌شود که در میان سنگسری‌ها با آداب و رسومی بازمانده از آیین مهری و زردشتی و فرهنگ ملی تلفیق شده است. در این مقاله ضمن پرداختن به این رسوم و جشن‌ها، به ترانه‌های عامه معروف سنگسری می‌پردازیم که ارتباط مستقیمی با گاه‌شماری و نظام معیشتی مردم دارد. بررسی این ترانه‌ها به ما کمک می‌کند تا علاوه بر به‌دست آوردن شناخت کلی نسبت به روحیه مردم این دیار با برخی مناسبات اجتماعی آنان نیز آشنا شویم.

واژه‌های کلیدی: گاه‌شماری، سنگسری، ادبیات عامه، جشن‌ها، ترانه‌ها.

۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سمنان (نویسنده مسئول)

* Mohamad_rezaie @semnan.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی.

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی.

۱. مقدمه

گاه‌شماری بخشی از دانش و فرهنگ ملت‌ها شمرده می‌شود که در گذر زمان با آداب و معتقدات عامه تلفیق شده است. از آنجا که این آداب و آیین‌ها در میان اقوام هر ملت، متفاوت است، نمی‌توان آن‌ها را بخشی از فرهنگ رسمی به شمار آورد؛ بلکه در طبقه فرهنگ عامه یا فولکلور جای می‌گیرد. از دوران گذشته تاکنون ملل متمدن دنیا از نوعی تقویم استفاده می‌کردند که مشهورترین آن‌ها بدین شرح‌اند: تقویم اسکندری، تقویم بابلی (بخت نصری)، تقویم ترکان (دوازده حیوانی)، تقویم روم قدیم (میلادی)، تقویم فرس قدیم (هخامنشی، اشکانی و ساسانی)، تقویم قبطی (مصری)، تقویم هجری (هجری قمری و هجری شمسی)، تقویم یزدگردی، تقویم هندی، تقویم یونانی (مربوط به المپیک) و تقویم یهود (بیات، ۱۳۸۱: ۱۱). در زمان ساسانیان در ایران، دو نوع گاه‌شماری رواج داشته است؛ نخست گاه‌شماری زردشتی عرفی (سیار) و دیگری زردشتی وهیژکی (کیسه‌دار). در اواخر دوره پیروز اول با تبدیل گاه‌شماری عرفی به خراجی، هم‌زمان دو گاه‌شماری وجود داشت. آغاز سال در گاه‌شماری زردشتی وهیژکی، از اوایل بهار و در گاه‌شماری عرفی - به سبب سیاربودن - از اواسط تابستان شروع می‌شد. بر اساس آخرین تغییرات در اواخر دوره ساسانی، بنا به درخواست مؤدیان مالیاتی آغاز سال برابر با ورود خورشید به نخستین درجه برج سرطان در نظر گرفته شد و پنجه یا اندرگاه عرفی از پایان اسفندماه به پایان آبان‌ماه عرفی - که هم‌زمان با اسفندماه وهیژکی (کیسه‌دار) بود - منتقل شد تا هر دو پنجه در گاه‌شماری وهیژکی و عرفی هم‌زمان قرار گیرد (پاکزادیان، ۱۳۸۸: ۱/۲-۷).

در گاه‌شماری ساسانی، سال از ۳۶۵ روز، یعنی دوازده ماه سی‌روزه و پنج روز در آخر سال که «اندرگاه» نام داشت، تشکیل می‌شد. این پنج روز مستقل به‌شمار می‌آمد و به هیچ ماهی مربوط نمی‌شد.

۲. سنگسر

سنگسر (مهدیشهر) یکی از شهرستان‌های استان سمنان است. درباره سبب نام‌گذاری سنگسر دو نظریه وجود دارد: (۱) چون در اطراف این محل کوه‌های سنگی و سخت

وجود داشته است، آن را سنگسار می‌نامیدند که به تخفیف سنگسر شده است. (۲) در آغاز اسلام این مکان را سگسر بر زبان می‌رانده‌اند؛ زیرا سنگسر و این آبادی نشیمنگاه سکان بوده است. بنابراین سنگسر تحریف‌شده سگسر است. به احتمال زیاد نظریه اول صحیح‌تر است؛ زیرا در گذشته معمولاً نام‌گذاری شهرها و روستاها براساس شرایط اقلیمی بوده است. سنگسر نیز منطقه‌ای کاملاً کوهستانی و زمین آن نسبتاً سخت بوده و انواع سنگ‌ها به وفور در آن دیده می‌شده است (صباغیان، ۱۳۹۰: ۴۶).

سنگسری‌ها در گویش خود کهن‌ترین کلمات و اصطلاحات زبان فارسی را که فقط در کتاب‌های فارسی قرون گذشته یافت می‌شود، به کار می‌برند. از خصوصیات دیگر گویش آنان، دستور زبان کلاسیک و قابل تجزیه و ترکیب است؛ به گونه‌ای که به آسانی تشخیص مصدر هر فعل و صرف افعال به زمان‌های مختلف امکان‌پذیر است. از دیگر مشخصه‌های این گویش - که در گویش‌های اقوام دیگر دیده نمی‌شود - به کاربردن ضمائر متفاوت برای مذکر و مؤنث است و برای اینکه موجودات دیگر نیز از این ضمیرها بی‌بهره نباشند، برای تمام موجودات زنده، غیر از گیاهان و درختان، از ضمیر مؤنث و برای گیاهان و درختان و دیگر موجودات بی‌جان از ضمیر مذکر استفاده می‌کنند. به دلیل همین ویژگی‌های ممتاز و منحصر به فرد، گروهی از دانشمندان این گویش را زبانی مستقل معرفی می‌کنند.

زبان سنگسری از زبان‌های ایرانی است که با خوارزمی قدیم و مازندرانی امروز بستگی دارد و از گویش‌هایی است که از دوره اشکانی به جای مانده است. اشکانیان نیز از تیره داهیان هستند. ژوکوفسکی نخستین کسی است که در سال ۱۸۸۸م پاره‌ای از لغات سنگسری را ضبط کرده و بعد از او کریستین سن دانمارکی نیز از سال ۱۹۳۵م با یادداشت تعداد معدودی از لغات این زبان سعی کرده است اطلاعاتی در زمینه دستور آن ارائه دهد (شاه‌حسینی، ۱۳۸۴: ۳۶). مهم‌ترین اثر علمی در باب گویش سنگسری کتاب *واژه‌نامه سنگسری* نوشته چراغعلی اعظمی است که در سال ۱۳۵۱ به کمک شعبه زبان دانشگاه میشیگان و با همکاری گرنات ل. ویندفوهر منتشر شده است.

۳. گاه‌شماری سنگسری

گاه‌شماری سنگسری یکی از کهن‌ترین گاه‌شماری‌های شمسی به جامانده از گذشته است که در دوره‌های مختلف تاریخی، خواسته و ناخواسته دستخوش تغییراتی شده و

سینه‌به‌سینه تا به امروز در بین مردم این شهر باقی مانده است. این سبک زمان‌سنجی با نام‌های نسبتاً منحصربه‌فرد آن متعلق به مردم باستانی شمال، شمال شرقی و شرق فلات ایران بوده و ریشه‌های تاریخی آن در بین مردم سغد، خوارزم، سیستان، ارمنستان، حاشیه‌های جنوبی دریای خزر و حتی دیگر نقاط ایران کم‌وبیش قابل جست‌وجوست. نام نخستین ماه سال در گاه‌شماری سغدی «نوسرد»، در گاه‌شماری خوارزم «ناواسارجی»، در گاه‌شماری ارمنستان قدیم «ناواسارد» و در گاه‌شماری سنگسری نو سال «نوسرت/نوست» است. واژه «ست» در کلمات ترکیبی «آمسَت: امسال»، «پَرسَت: پارسال» و ... مشهود است (پاکزادیان، ۱۳۸۱: ۱۴/۱-۱۵). جعفری (۱۳۵۰: ۵۴۰) معتقد است بر اساس *اوستا*، در آغاز «یار» سال قمری را می‌گفتند و هنگامی که سال شمسی هم به میان آمد، آن را «سَرَد» گفتند. این واژه همان است که امروزه سال و سرد می‌گوییم.

گاه‌شماری سنگسری همان گاه‌شماری خراجی است که در زمان پیروز اول در اواسط دوره ساسانی هم‌زمان با برپایی و اجرای کیسه مضاعف در تقویم زردشتی و هیژکی ایجاد گردید. هر سال در تقویم سنگسری دارای ۱۲ ماه سی‌روزه بوده و ۵ روز به نام پیتک در پایان هر سال اضافه می‌گردد تا تعداد روزهای سال ۳۶۵ روزه شود. سال‌های خراجی هر چهار سال یک‌بار، کیسه می‌شده‌اند (یک روز به پنجه اضافه شده و سال ۳۶۶ روزه می‌شده است (صباغیان، ۱۳۹۰: ۲۳۹).

۳-۱. تعداد ماه‌ها در تقویم سنگسری

سال سنگسری دارای دوازده ماه سی‌روزه است و پنج روز زائد سال را که «پیتک» خوانده می‌شود، در پایان آخرین ماه سال کهنه و پیش از آغاز اولین ماه سال نو می‌گذارند، به این شرح:

و بهار = بهار	مَس م - د م - گوجو
توستون = تابستان	نوسال - سیام - کورچ
پیز = پاییز	اوریا - تیرم - مرداله م
زمستون = زمستان	شروره م - میرونه م - آونه م - پیتک

«م» به معنی ماه است و در اسامی ماه‌های سنگسری جزئی از نام ماه است که با آن آمده است و نمی‌توان آن را همراه دیگر ماه‌ها گذاشت (اعظمی، ۱۳۷۱: ۲۹).

۲-۳. مقایسه زمانی ماه‌های سنگسری و ماه‌های شمسی

پیش از فرارسیدن نخستین ماه بهار شاهد یک پنجه یا خمسه مسترقه هستیم که «پیتک» نام دارد. آغاز «مس م» سنگسری به روایتی از یازدهم فروردین ماه هجری شمسی کنونی و به روایتی دیگر از روز سیزدهم همین ماه است؛ بنابراین آغاز مس م از شانزدهم فروردین ماه هجری شمسی یا از هجدهم همین ماه خواهد بود. به همین ترتیب ماه‌های بعدی که هرکدام سی روز است، آغاز می‌شود و به پایان می‌رسد. جدولی که در ادامه می‌آید برگرفته از کتاب *عشایر ایل سنگسری* است و حدود تقریبی زمان ماه‌های سنگسری را در مقایسه با زمان ماه‌های شمسی نشان می‌دهد.

نام ماه‌ها	آوانگاری	مطابقت با ماه‌های شمسی
آونه مو	Āvana mo	۳ اسفند - ۴ فروردین
پیتک	Pitak	۵ فروردین - ۹ فروردین
مس مو	Mas mo	۱۰ فروردین - ۸ اردیبهشت
د مو	De mo	۹ اردیبهشت - ۷ خرداد
گوجو	Guju	۸ خرداد - ۶ تیر
نو سال	No sâl	۷ تیر - ۵ مرداد
سیا مو	Siâ mo	۶ مرداد - ۴ شهریور
کورچ	Korač	۵ شهریور - ۳ مهر
اوریا	Owriâ	۴ مهر - ۳ آبان
تیر مو	Tira mo	۴ آبان - ۳ آذر
مرداله مو	Mordâla mo	۴ آذر - ۳ دی
شروره مو	Šarvara mo	۴ دی - ۳ بهمن
میرونه مو	Mirona mo	۴ بهمن - ۳ اسفند

جدول ۱: تطبیق ماه‌های سنگسری با ماه‌های شمسی

۳-۳. هفته

هر ماه در تقویم سنگسری به چهار بخش تقسیم می‌شود که شامل دو هفته و دو بخش هشت‌روزه است. هرکدام از این بخش‌ها و به اصطلاح هفته‌ها با نامی مقدس آغاز می‌شود. چنان‌که آموزگار (۱۳۸۱: ۳۰) می‌نویسد این تقسیم‌بندی در گاه‌شماری زردشتی وجود داشته است.

سی روز ماه زردشتی به گونه‌ای به چهار بخش تقسیم می‌گردد، دو هفت روز و دو هشت روز که بر سر هر کدام از این چهار بخش نام اهوره‌مزدا یا صفت و لقب او (دی) دیده می‌شود و برای اینکه روزهای دی با هم اشتباه نشوند، آن‌ها را با نام روز بعد مشخص می‌کنند.

نام روزها در تقویم سنگسری، با اندکی تغییر در صورت، همان نام روزها در ماه ساسانی است.

۱. ورمز (هرمز)، ۲. بهمن، ۳. اردیبهشت، ۴. شهریور، ۵. اسفندارمذ، ۶. خرداد، ۷. مرداد، ۸. دی بآذر، ۹. آذر، ۱۰. آبان، ۱۱. خور، ۱۲. مونگ (صورت تغییر یافته ماه)، ۱۳. تیر، ۱۴. گوش، ۱۵. دی بمهر، ۱۶. مهر، ۱۷. سروش، ۱۸. رشن، ۱۹. فروردین، ۲۰. بهرام، ۲۱. رام، ۲۲. باد، ۲۳. دی بدین، ۲۴. دین، ۲۵. آرد، ۲۶. اشتاد، ۲۷. آسمون، ۲۸. زامیاد، ۲۹. مارسفند، ۳۰. انیران.

چنان‌که مشاهده کردیم، روزهای یکم، هشتم، پانزدهم و بیست‌وسوم به نام آفریدگار است که این روزها در آغاز بخش‌های هفت و هشت روزه قرار می‌گیرد و مقدس است. سنگسری‌ها هنوز روز اول هر ماه را (ورمز) می‌نامند، اما انیران فقط در سیام به یاد مانده است. «عشایر سنگسر آن را فقط درمورد سی ام سیام که از نظر سنت‌های گله‌داری‌شان دارای اهمیت خاص است، حفظ کرده‌اند و در ماه‌های دیگر برگزاری آن را از یاد برده‌اند» (اعظمی، ۱۳۴۰: ۹۴).

۳-۴. توضیحی درباره پیتک

همان‌گونه که گفته شد سال در تقویم سنگسری ۳۶۵ روز و شامل دوازده ماه سی‌روزه و پیتک است. سال‌های خراجی هر چهار سال یک بار کیسه می‌شوند. پیتک پیش از فرارسیدن نوروز قرار می‌گیرد و در باور مردم باستان از روزهای نیکو و مبارک به‌شمار

آمده است. مردم ایل سنگسر این پنج روز را روزهای خدا می‌دانند و برای آن ارزش و تقدس خاصی قائل‌اند. این روزها جزو روزشمار کاری آن‌ها به حساب نمی‌آید و چوپانان در قبال کار این چند روز مزد دریافت نمی‌کنند، بلکه هدایایی به آن‌ها تقدیم می‌شود.

پیتک از نظر مذهب زردشت نیز با اهمیت بوده است؛ زیرا زردشتیان بر این اعتقاد بوده‌اند که اهوره‌مزدا خلقت هستی را در یک‌سال و شش گاهانبار به پایان رسانده است. در پنج گاهانبار اول به ترتیب آسمان، آب، زمین، گیاه و جانوران را آفرید و در گاهانبار آخر، انسان را که آفرینش او در آن پنج روز صورت گرفت.

این پنج روز که ابوریحان بیرونی آن را «پنجی و اندرگاه» نیز خوانده، در **بند هشتم** به صورت «تروپی تک»، «دوزتیک» و «پنجک ویه» آمده و همه روز آن با جشن و سرور برگزار می‌شده است، و هر روز را اسمی بوده است: ۱. اهنود (گاس)، ۲. اشتود (گاس)، ۳. اسفندت مذ (گاس)، ۴. اخوشر (گاس)، ۵. وهستوشت (گاس). در ایران قدیم رسم بود که پایان هر گاهانباری را با جشن و سرور همراه می‌ساختند که مهم‌تر از همه گاهانبار آخر بود (اعظمی، ۱۳۷۱: ۳۲).

۳-۵. ارتباط گاهنمای سنگسری و آیین گله‌داری

دامداری اصلی‌ترین پیشه سنگسری‌هاست و زندگی عشایر بر این پایه استوار است، لذا مسلم است که آیین‌های گله‌داری برایشان اهمیت ویژه‌ای داشته باشد. گاه‌شماری سنگسری از عناصر پویای فرهنگ عامه به‌شمار می‌رود که با نظام اجتماعی و اقتصادی مردم این دیار متناسب و برایشان سودمند است. از آنجا که نظام معیشتی بر ادبیات شفاهی مردم تأثیرگذار است، بررسی و کاوش در ادبیات شفاهی جوامع مختلف می‌تواند راهنمای ما در شناخت زوایای گوناگون انسان باشد. گنجینه واژگان زبان سنگسری دربردارنده بسیاری از کلمات متفاوت با زبان فارسی معیار است و شامل واژگانی تخصصی در حوزه‌های گوناگون نظیر گاه‌شماری، محصولات گوناگون لبنی، انواع اسامی مختلف برای اقسام دام‌ها، صنایع دستی و دیگر حوزه‌هاست که باید به وسیله زبان‌شناسان و محققان شناسایی شود (صباغیان، ۱۳۹۰: ۲۷۰). در حوزه ادبیات عامه سنگسر، اشعار و ترانه‌های بسیاری وجود دارند که متأثر از زندگی عشایری شکل گرفته‌اند و کاربردهای مختلفی دارند. این ترانه‌ها معمولاً شادند و دعوت به شادی

می‌کنند و با شیوه زندگی مردم، پیوندی ناگسستنی دارند. غلبه فرهنگ عشایری بر زبان و ادبیات سنگسر تا حدی است که بیشتر اشعار مربوط به جشن‌ها و آیین‌ها نیز حول محور کوچ، زمان کوچ، مسائل مربوط به دام و تفاخر و شکوه از سختی کار و ... شکل گرفته است. سنگسری‌ها از گاهنما برای برگزاری مناسبت‌ها و امور مربوط به دام بهره می‌گیرند. برقراری جشن‌ها و محفوظ ماندن آیین و سنن در میان سنگسری‌ها به سبب پابندی آن‌ها به گاهنمایی است که بر اساس آن، قدمت این رسوم به زمان ساسانیان و حتی پیش از آن می‌رسد.

۴. رسوم، باورها و اشعار عامه مرتبط با گاهنمای سنگسری

شادمانی جزء جدایی‌ناپذیر سنت ایرانی است و ایرانیان به هر مناسبت شادی، به جشن‌ها روی می‌آورند. بنابر افسانه‌های مردمی، زردشت هنگام تولد با صدای بلند می‌خندد. جشن و شادی ریشه در باورها و اندیشه‌های فلسفی ایرانیان دارد و به همین دلیل برگزاری این جشن‌ها در کشورمان پایدار مانده و بسیاری از آیین‌ها با موسیقی و پای‌کوبی همراه است و ایرانیان حتی در عزاداری‌های بزرگ، موسیقی و نمادهای باستانی را فراموش نمی‌کنند.

مردم ایل سنگسر نیز همانند بسیاری دیگر از طوایف و اقشار، بزرگداشت این آیین‌ها و حفظ رسومات را برای حفظ فرهنگشان ضروری می‌دانند. در ادامه به برخی از مناسبت‌ها و جشن‌ها و ترانه‌های عامه که در زبان مردم سنگسر رایج است، اشاره می‌کنیم.

۴-۱. وَرَمَز

چنان‌که گفته شد اولین روز هر هفته، برای سنگسری‌ها مقدس است و به یکی از نام‌های آفریدگار خوانده می‌شود. این تقدس درباره روز اول ماه بیشتر است. روز اول هر ماه «ورمز» نام دارد. ورمز همان «هورمزد» یا «اورمزد» در تقویم کهن ایرانیان است. این روز نزد سنگسری‌ها آداب ویژه‌ای دارد. ورمز روز مبارکی است. مردم پیش از طلوع آفتاب از خواب برمی‌خیزند. زنان برای آوردن آب ورمز با بادیه‌های مسین بزرگ، که روی سر خود حمل می‌کنند، خانه را ترک می‌کنند و به سوی چشمه‌سارهای اطراف

بازتاب عناصر فرهنگ و ادبیات عامه در گاه‌شماری سنگسری _____ محمد رضایی و همکاران

سنگسر می‌روند. در بازگشت به تعداد افراد خانه سنگ‌ریزه در آب می‌ریزند و به خانه می‌آورند. آن‌ها یقین دارند با این کار تندرستی خود و فرزندانشان را دست‌کم برای یک ماه مانند سنگ محکم و پایدار کرده‌اند.

در روز ورمز، شخص مبارک‌قدمی به عنوان ورمزی، صبح زود با ظرفی آب و سبزه و مقداری سنگ‌ریزه، به منزل کسان و دوستان خود می‌رود و به پاشنه درها آب می‌ریزد. اگر ورمزی به جهتی در محل نباشد، صبح روز ورمز، کفش‌های او را در بامدادان به منزل خویشان و بستگان می‌برند و پس از آن به داخل خانه می‌اندازند. پیش از انجام این اعمال اهل خانه حاضر به گشودن در به روی دیگران نیستند. در چنین روزی، پیش از طلوع آفتاب، دادن هر چیزی به دیگران، به‌خصوص دادن وام را جایز نمی‌دانند.

«در دوران باستان، آوردن آب مقدس از معابد آناهیتا که تمامی چشمه‌ها را شامل می‌شد، امری اعتقادی و خوش‌یمن و متبرک بود. این باور امروزه نیز در بین ایل وندان سنگسری کمابیش وجود دارد» (پاکزادیان، ۱۳۸۸: ۱۶/۲).

۲-۴. خیل‌به‌خیل

کوچ خانوارهای عشایر ایل سنگسر، از مهدی‌شهر و شهرهای اطراف به مناطق بیلاقی و چراگاه‌های تابستانی از حدود هفتم گوجو (بعد از بارندگی شصت‌وششه) در اوایل خرداد آغاز می‌شود. استقرار عشایر در محل خیل (بیلاق) یا چراگاه‌های تابستانی را خیل‌به‌خیل می‌گویند.

بخش مهمی از ادبیات شفاهی سنگسر به ترانه‌های به کوچ و شیوه زندگی عشایر سنگسری اختصاص دارد که نیازمند ضبط و نگارش است. بخشی از ابیات یکی از این ترانه‌ها چنین است:

باز بَمی یِه وِیَار جا خیل رِ شونون دسته دسته
گوت ژِنون، چادر ژِنون یون دِم نیون دل دِسته'

برگردان: دوباره بهار آمد و همه با هم راهی ییلاق هستیم، گوت‌ها (چادرهایی که از موی بز بافته می‌شود و در ییلاق محل زندگی عشایر است) را بر پا می‌کنیم، در حالی که دل‌بسته به شهر نیستیم.

ماشین در درِیست کِنَدِ یکسَر شونَدِ دیم خیلی لار
گوت پراپر ژنَدِ گوت کِ در کِنَدِ برقرار

برگردان: با ماشین دریست، مستقیم به سوی ییلاق «لار» می‌رود. چادرها را در کنار هم برپا و پایه‌هایش را محکم می‌کند و درون چادر را هم طبق اصولش می‌چیند. پس از این کوچ، گوسفندان نر و بره‌ها را از گوسفندان شیرده جدا می‌کنند و به چراگاهی دورتر از محل خیل می‌برند.

میش ون در واژنَدِ ورا شونین سرکوهی لار

برگردان: میش‌ها را جدا می‌کند و بره‌ها به طرف دامنه‌های لار می‌روند. تمام این کارها به محاسبه‌ی زمان وابسته است و عشایر با استفاده از گاه‌شماری و دقت خاصی که دارند وضع هوا را تا چندین ماه بعد پیش‌بینی می‌کنند و تدابیر لازم را برای حفظ گوسفندان‌شان انجام می‌دهند. دامداران پس از جداکردن گوسفندان، به کار شیردوشی، که رسوم ویژه‌ی خود را دارد، می‌پردازند و در تمام این مدت مبنای محاسبه‌ی زمان، گاه‌شماری سنگسری است.

پس از خیل‌به‌خیل، یعنی جابه‌جایی محل سکونت عشایر، شاهد مراسم «بریم» هستیم.

بریم یا پشم‌چینی از گوسفندان مراسمی است که پس از استقرار خانوارهای دامدار سنگسری در خیل شروع می‌شود. مراسم ورا بریم (یا همان پشم‌چینی از گوسفندان) مهم‌ترین و اصلی‌ترین دغدغه‌ی دامداران در خیل به حساب می‌آید که به صورت دسته‌جمعی در ییلاقات ایل سنگسر اجرا می‌شود. این مراسم به شکرانه‌ی بازگشت پرخیز و برکت و سلامت رمه‌ها و بره‌ها با پذیرایی دامدار و پای‌کوبی جوانان ایل پس از مراسم پشم‌چینی به اتمام می‌رسد. جشن «ورابیم» در حدود آغاز هفته‌ی چهارم از نوسال در اواخر تیرماه برگزار می‌گردد (پاکزادیان، ۱۳۸۸: ۲۳/۱).

قَصْرَ وِنِ پِشِ دِ گِیندِ وَرِ دِ هَاکِیندِ شِمَارِ
قانونی ماللداری یه خیل خون بیی نین مار به مار

برگردان: پشم‌چینی قَصْر (نازا)ها را انجام می‌دهد و گوسفندان را می‌شمارد. پس از رعایت این قوانین دامداری حالا عشایر جابه‌جا و برقرار شده‌اند.

دشت و صحرا و زمین سبز و خرم گوت پراپر
عجب سو و صفایی داند جا جمع بونین ن تختی سر

برگردان: همه جا سرسبز است و گوت‌ها در کنار هم برقرارند. همه به دور هم روی تخته‌سنگ‌ها می‌نشینند.

باز بیه ورا بریم دسته دسته چشمه یی سر
کرد و ارباب و کاتا واین دهنخون خونین کی یر

برگردان: باز ورا بریم آمد و دسته‌دسته ارباب و چوپان و بچه‌ها در سرچشمه‌ها جمع می‌شوند و می‌گویند که مردم دهنخون تره می‌خورند.

در بیت آخر شاهد نوعی تفاخر هستیم به اینکه اکنون خوراک ما محصولات مفید لبنی است، درحالی‌که مردم شهرنشین خوراک گیاهی و ساده می‌خورند.

۳-۴. درنون

درنون جشنی مربوط به آیین‌های کشاورزی است. در مقابل جشن‌ها و مناسبت‌های وابسته به گله‌داری، تعداد جشن‌های مربوط به کشاورزی بسیار کم است؛ زیرا سنگسری‌ها بیشتر دامپرور هستند و موقعیت جغرافیایی منطقه سبب غلبه دامداری بر کشاورزی می‌شود. درنون فصل درو غلات و نمادی از دست‌یابی انسان به گندم و نان تازه است. موقعیت زمانی درنون اوایل نوسال یا ابتدای تابستان است. در بسیاری از فرهنگ‌ها فصل درو غلات همراه با جشن‌های خاصی است و این امر به پاس برکت داشتن محصول و شکر ایزد است.

۴-۴. نرون

سی‌امین روز هر ماه در گاه‌شماری ایران باستان، انیران نام داشته که در تقویم سنگسری به «نرون» معروف است؛ زیرا در آخرین روز سیام، که انیران نام دارد، رسم نرون اجرا

می‌شود. نرون جشنی است که طی آن گوسفندان نر و ماده را با هم ادغام می‌کنند. دربارهٔ زمان برگزاری این مراسم باورهای متفاوتی وجود دارد. «اگر مراسم نرون درست در روز انیران از سیامُ برگزار گردد، به آن راستون می‌گویند که به معنی برپاداشتن مراسم، درست در روز نرون است» (پاکزادیان، ۱۳۸۸: ۲۵/۱). «برخی شبانان سنگسر بر این باورند که نرون نام ماهی است که پس از سیامو می‌آید. «نرون مو» از سوم شهریور آغاز می‌شود و تا سوم مهر ادامه می‌یابد. اولین روز نرون، به راستون معروف است» (شاه‌حسینی، ۱۳۸۴: ۹۱).

نرون تنها در یک روز انجام نمی‌شود؛ عشایر سعی می‌کنند از روز نرون این جشن را شروع کنند و از خیر و شگون این روز بهره‌مند گردند. به دلیل جابه‌جایی‌های روزها، حدود ده روز این رسم برقرار است.

درهم‌آمیختن گوسفندان نر و ماده در روز انیران بستگی به معتقدات مذهبی ایران باستان دارد، چنان‌که آذرباد در اندرزهای خود که از تعالیم زرتشت اقتباس کرده، اصلاح سر و چیدن ناخن و اختلاط دو جنس مخالف را در این روز تجویز کرده و آن را عامل به‌وجود آمدن مولودی مسعود دانسته است.

از پنجم شهریورماه، معادل ۲۵ سیامُ را به مدت ۱۸ روز که سه واحد شش‌روزه است، ششای نرون می‌گویند. عشایر در یکی از شش روز نخست، گوسفندان نر و ماده را- که از بهار جدای از هم نگهداری کرده بودند- طی مراسمی همراه با جشن و سرور با هم ادغام می‌کنند. دامداران در این دورهٔ ششای، دقیقاً گوسفندان را زیر نظر دارند که در کدام‌یک از این سه واحد، احشام بیشتر آبستن می‌شوند تا بدین وسیله زمان دقیق‌تری در فصل زایمان- که سونا نامیده می‌شود- داشته باشند و تدابیر و تدارکات لازم را پیش‌بینی کنند.

چهار رویی دیگر پییزه روژی حساب نُو داندِ کار
نر و کل در سر دیند رمه در کند لته بار

برگردان: چهار روز دیگر روز حساب است و کار دامدار زیاد است، گوسفندان نر و کل را با گوسفندان ماده ادغام و همه را دسته‌دسته می‌کند و زیر نظر می‌گیرد.

به غیر از این مورد، برگزاری جشن انیران در پایان ماه‌های دیگر از یاد رفته است. وقتی مراسم و جشن آمیزش گوسفندان در روزی غیر از روز انیران برگزار شود، آن روز را «حساب» یا «روز حساب» می‌گویند.

۴-۵. تیرمُیی سیزده

در ایران قدیم هرگاه نام روز با نام ماه همسان می‌شد، آن روز را جشن می‌گرفتند، مثل جشن مهرگان، آبانگان، بهمن‌گان و تیرگان. جشن تیرگان از جشن‌هایی است که همچنان پابرجاست. سنگسری‌ها این روز را «تیرمُیی سیزده» می‌خوانند و آن را مقدس می‌دانند که مراسم خاصی دارد.

روز سیزدهم هرماه تیر نام دارد و ماه تیر سنگسری تقریباً با آبان‌ماه شمسی مصادف است. در سنگسر، هنگامی که خورشید روز دوازدهم در حال غروب است، مراسم تیرموسیزده آغاز می‌شود، نخستین رسم، فال‌گوش ایستادن است. مردم در این هنگام نیت می‌کنند و به حرف‌های رهگذران گوش می‌دهند. اولین کلامی که می‌شنوند، جوابی است که برای نیتشان گرفته‌اند. اگر آن کلام خیر باشد، نیت آن‌ها هم خیر است و در غیراین‌صورت، می‌گویند شگون ندارد و اگر قصد انجام کاری را داشته باشند از آن صرف نظر می‌کنند. شب سیزدهم تیر مُ مراسم «شو نیشتن» برگزار می‌شود؛ یعنی شب‌نشینی همراه با تفأل به دیوان حافظ و انجام سنتی به نام فال کوزه، و خواندن شعرهای امیرپازواری که به زبان مازندرانی است.

«امیری از ترانه‌های رایج طبری و شامل اشعاری منسوب به امیرپازواری شاعر طبری است که مضامین غنایی و عاشقانه دارد. شهرت اشعار امیر فراتر از مرزهای مازندران است. این گونه شعرهای علاوه بر مازندران در دیگر مناطق نیز رواج دارد» (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۳۶۲). بسیاری از غزل‌های حافظ که بر سر زبان سنگسری‌هاست، از همین شب‌های جشن و شب‌نشینی‌های دور کرسی به یاد مانده است.

این شب شام مخصوصی به نام «سیزده‌تام» دارد. پلویی که در ترکیب آن وجود دست‌کم ۱۳ نوع ماده غذایی (از جمله برنج، گوشت، چغندر، عدس، ماش، به، اسفناج، آلو، آب، روغن و ...) ضروری است. هنگام طلوع آفتاب روز سیزدهم، مراسم

فال‌گوش تکرار می‌شود. این روز بسیار عزیز و مقدس است. هنگام بامداد و پیش از طلوع، همه از خواب برمی‌خیزند و کودکان خانه‌ها را ترک می‌گویند و دسته‌دسته نعره‌زنان و همهمه‌کنان در حالی که خود را به گنگی زده و کف دست خود را به لب می‌زنند، به عابران از زن و مرد و پیر و جوان حمله‌ور می‌شوند و با چوب‌های خود به جان آن‌ها می‌افتند و عجب آنکه عابران از خود مقاومتی نشان نمی‌دهند، بلکه ضربات بی‌دریغ کودکان لال را به جان می‌خرند و شاید هم برای بهره‌مند شدن از آن در چنین روز، خانه و لانه را ترک می‌گویند. سنگسری‌ها بر این عقیده‌اند که این ضربه‌ها سبب طول عمر و بقای تندرستی و رفع رنج و بیماری است و بیماران تماماً خود را در معرض هجوم اطفال قرار می‌دهند. جوش و خروش کودکان و هجومشان به عابران تا برخاستن خُر (آفتاب) ادامه می‌یابد و آنگاه لب به سخن می‌گشایند، از ستیزه‌جویی دست می‌کشند و راه خانه خود را در پیش می‌گیرند (اعظمی سنگسری، ۱۳۴۷: ۹۷).

بزرگ‌سالان ایل نیز در این روز همراه با کودکان از خانه خارج می‌شوند و بدون اینکه حتی یک کلمه حرف بزنند، ضمن بهره‌مند شدن از ضربات لال‌ها، به سوی چشمه‌ها می‌روند و ظرفی آب به‌عنوان تبرک برای خانه می‌برند. این آب که «لال و» نام دارد، بسیار مقدس است و با نهایت احترام از آن بهره می‌برند. این آب نباید بر زمین گذاشته شود. برخی معتقدند وقتی آب به خانه می‌رسد، می‌توان با استفاده از آن استخاره کرد؛ به این روش که مقداری از آب را در ظرفی دیگر می‌ریزند و آن را در دست می‌گیرند. اگر آب به سمت راست در گردش باشد، اقدام به کار را خیر می‌دانند و اگر به چپ بچرخد، انجام آن کار را جایز نمی‌دانند. اهل خانه از این آب می‌نوشند و معتقدند که موجب سلامتی و تندرستی‌شان می‌شود و این کار را فرخنده می‌دانند. برگزاری جشن سیزدهم تیرماه توسط سنگسری‌ها بر پایه‌های ملی و مذهبی استوار است. بر اساس *اوستا*، تیر فرشته نگهبان باران و سرور دیگر ستارگان بوده است. احترام گذاشتن به آب در روز تیر از ماه تیر بسیار بااهمیت است و بر این باورند که نوشیدن این آب مقدس، باعث می‌شود تا فرشته تیر نگهبان کسانی که از این آب می‌نوشند، نیز باشد.

مادران در قدیم، برای کودکانشان در جشن سیزدهم تیرماه، دست‌بندی با نخ‌های رنگی می‌بافتند و کودکان تا ده روز آن را به دست داشتند و در روز باد به یاد تیر آرش، دست‌بند خود را به باد می‌سپردند. سفارش شده است که در روز تیرگان کودکان خود را برای شروع یادگیری تیراندازی و پرتاب نیزه و سوارکاری بفرستید. بنابراین روز تیرگان برای کودکان روز بسیار ارزشمندی بوده و ممکن است چوب‌دست‌گرفتن کودکان در این روز نمادی از نیزه و تیر، و نعره‌های آنان یادآور مهمه میدان کارزار و سواران جنگی باشد. نام دیگر جشن تیرگان، جشن آبریزان است. می‌گویند پس از خشک‌سالی عظیم و طولانی که در ایران حاکم بود، در روز تیر باران بسیاری بارید و مردم شادی‌کنان به سر و روی هم آب می‌پاشیدند. هنوز هم جشن آبریزان پابرجاست و نشانه‌ای دیگر از ملی‌بودن این جشن است.

۵. نتیجه‌گیری

گاه‌شماری سنگسری بخشی از فرهنگ مردم سنگسر است که با آداب و رسوم ویژه‌ای همراه است. بی‌شک بسیاری از این آیین‌ها پیشینه‌ای دارد که از اعتقادات کهن سرچشمه گرفته و در باور مردم رسوخ کرده است، به گونه‌ای که جداسازی اقوام از آداب و رسوم مخصوصشان ممکن نیست؛ زیرا وجه تمایز هر قوم، فرهنگ ویژه آن قوم است. مقایسه فرهنگ اقوام هر جامعه، هرچند اختلافات ظاهری آنها را روشن می‌سازد، اما به ما می‌فهماند که ریشه و منشأ این آداب و سنن یکی است و این نشانه‌ای بر وحدت قومی است که پیوندها و پیوستگی‌های میان مردم را اثبات می‌کند. در بررسی جشن‌ها و آیین و سنن، به عناصری برمی‌خوریم که برخی از آنها جنبه دینی و آیینی و بعضی جنبه ملی و میهنی دارد. تقدس آب از بارزترین این عناصر است. تقریباً در تمام فرهنگ‌ها به آب توجه شده و مورد ستایش است. دعاکردن کنار آب روان و حاجت‌خواستن از آن، بازمانده از آیین مهر است. در برگزاری جشن‌های عشایری مانند نرون نیز به توصیه‌های آذرباد و تعالیم زردشت برمی‌خوریم. روشن کردن چراغ و برگرفتن آتش از مکان‌های مقدس در نوروز یادآور تقدس آتش و آتشگاه‌ها در دین زردشتی است. در حفظ برخی از این جشن‌ها، زنان نقش اصلی را داشته‌اند. مردان

معمولاً همراه گله‌هایشان بودند و قادر به برگزاری آیین‌هایی مانند آنچه در «ورمز و تیرمویی سیزده» داریم، نبودند؛ بنابراین می‌توان گفت بخشی از این فرهنگ را که بیشتر به آیین‌های گذشتگان ما مربوط است، زنان به نسل‌های بعد منتقل کرده‌اند.

عشایر سنگسری مردمی شاد و سخت‌کوش و به شدت اهل تفاخر هستند که شواهد این موضوع را می‌توان در ادبیات شفاهی آن‌ها مشاهده کرد. ترانه‌های عامه که حاوی مضامین مختلف غنایی است، در میان این مردم رواج زیادی دارد. بسیاری از ترانه‌های مربوط به کوچ و بیلاق در جشن‌هایی همچون عروسی به آواز خوانده می‌شود. نوروزی‌خوانی یکی از این ترانه‌هاست که به دلیل ویژگی‌هایش، از جمله بداهه‌سرایی نوروزخوان و تطبیق آن با شأن صاحب‌خانه‌ها، شکل‌های مختلفی از آن ثبت شده است. هرچند تقویم سنگسری سابقه‌ای بسیار طولانی و قدمتی در خور توجه دارد؛ اما زمان زیادی از شروع انتشار سالنامه‌های سنگسری نمی‌گذرد. نتیجهٔ مکتوب‌نبودن سالنامه‌ها عدم برگزاری کیسه در گذشته بود که با تلاش بزرگان دلسوز فرهنگ سنگسری این موارد اصلاح شد و قوانین کیسه در حال حاضر اعمال شد و به تقویم سنگسری قابلیت اجرایی شدن بخشید.

پی‌نوشت

^۱ تمامی ابیات استفاده شده در این مقاله براساس تحقیقات میدانی نگارندگان ضبط شده است

منابع

- آموزگار، ژاله (۱۳۸۱). «گزارشی ساده از گاه‌شماری در ایران باستان». *بخارا*. ش ۲۴. صص ۲۰-۳۷.
- اعظمی سنگسری، چراغعلی (۱۳۷۱). *تاریخ سنگسر*. ج ۱. مهدیشهر: گوته.
- _____ (۱۳۴۹). «باورهای عامیانهٔ مردم سنگسر». *هنر و مردم*. ش ۹۲. صص ۴۷-۵۵.
- _____ (۱۳۴۷). «جشن‌های ملی سنگسر». *بررسی‌های تاریخی*. س ۳. ش ۵. صص ۸۷-۱۰۶.
- _____ (۱۳۵۲). «سنگسر و واژهٔ سنگسری». *گوهر*. س ۱. ش ۷. صص ۶۲۸-۶۳۳.

بازتاب عناصر فرهنگ و ادبیات عامه در گاه‌شماری سنگسری _____ محمد رضایی و همکاران

- انجوی شیرازی، سید ابوالقاسم و محمود ظریفیان (۱۳۷۱). *گذری و نظری در فرهنگ مردم*. تهران: اسپرک.
- بیات، عزیزالله (۱۳۸۱). *کلیات گاه‌شماری در جهان*. چ اول. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- بیرشک، احمد (۱۳۷۵-۱۳۷۶). «گاه‌شماری کنونی ما و تأثیر گاه‌شماری جلالی بر آن». *فرهنگ*. ش ۲۰-۲۱. صص ۱۲۳-۱۴۱.
- بیهقی، حسینعلی (۱۳۶۵). *پژوهش و بررسی فرهنگ عامه ایران*. مشهد: آستان قدس رضوی.
- پاکزادیان، حسن (۱۳۸۸). *گاه‌شماری سنگسری*. چ اول. گرمسار: حبله‌رود.
- _____ (۱۳۸۸). *نقش مایه‌های باستانی در فرهنگ و آثار ایل سنگسر*. چ ۱. تهران: مؤلف.
- جعفری، علی‌اکبر (۱۳۵۵). «گاه‌شماری اوستایی». *یغما*. س ۲۹. ش ۹. صص ۵۳۵-۵۴۱.
- حاج علیان، یدالله (۱۳۸۴). «تحقیق و پژوهش تقویم سنگسری». *سالنامه سال ۱۳۸۴*. شرکت البرز دام سنگسر.
- حقیقت، عبدالرفیع (۱۳۴۶). «سنگسر». *یغما*. س ۲۰. ش ۶. صص ۳۱۰-۳۱۴.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۴). *زبان و ادبیات عامه ایران*. تهران: سازمان مطالعه تدوین کتب علوم انسانی (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- شاه‌حسینی، علیرضا (۱۳۸۴). *عشایر ایل سنگسری، از کرانه‌های کویر تا بلندای البرز*. چ ۱. سمنان: بوستان اندیشه.
- _____ (۱۳۹۲). «کتاب‌شناسی استان سمنان در حوزه تمدن و فرهنگ». *دانشنامه فرهنگ و تمدن استان سمنان*. ش ۴۷. حوزه هنری استان سمنان و قم.
- صباغیان، ناصر (۱۳۹۰). *بررسی زبان سنگسری*. چ ۱. آمل: شمال پایدار.
- میرشکرایی، محمد (۱۳۷۷). «نوروزخوانی». *کتاب ماه هنر*. بهمن ۱۳۷۷.
- نبی، ابوالفضل (۱۳۸۱). *گاه‌شماری در تاریخ*. چ ۱. تهران: سمت.

